

## درس نهم: آرش کمان‌گیر، باران



### واژه‌نامه

- |                                  |                                     |
|----------------------------------|-------------------------------------|
| ● تحقیر: خوار و کوچک کردن        | نبرد: جنگ                           |
| بامداد: صبح زود                  | بی‌تاب: بی‌قرار                     |
| ● وارونه: برعکس                  | دیرین: قدیمی                        |
| سامان دادن: نظم دادن در چیدمان   | پایداری: ایستادگی                   |
| تناور: تنومند                    | قامت: قد و بالا                     |
| جاودانی: ابدی                    | ● چست: چالاک                        |
| ● پولادین: از جنس پولاد          | بردباری: صبر                        |
| ● نهانی: پنهانی                  | رشید: راست‌قامت                     |
| ● سرپنجه: پنجه‌ی دست و سرانگشتان | خاور: شرق                           |
| ● تندر: بانگ رعد                 | نقص: عیب                            |
| ● ماهر: زبردست                   | فرود آید: پایین بیاید               |
| نگریست: نگاه کرد                 | ● تیزبال: سریع                      |
| گهر: گوهر، سنگ قیمتی، جواهر      | ● غرّان: غرّش‌کنان                  |
| بام: سقف                         | شمشیر بزّان: شمشیر برنده، شمشیر تیز |
| دیرین: قدیمی                     | تندر: رعد و برق                     |
| خرّم: شاداب                      | غرّان: غرّش‌کنان                    |
| چست و چالاک: زرنگ                | گریزان: در حال فرار                 |
| نهان: پنهان                      | وارونه: معلق                        |
| پند: نصیحت                       | گوهرفشانی: پخش کردن جواهرات         |

### معنی و مفهوم درس «باران»

باز باران با ترانه با گهرهای فراوان می خورد بر بام خانه

معنی: باز باران با صدایی آهنگین، با دانه‌های مثل مروارید بر سقف خانه می خورد.

می شنیدم از پرندۀ از لب باد وزندۀ داستان‌های نهانی رازهای زندگانی

معنی: صدای زیبای پرندۀ را می شنیدم، صدای باد که در حال وزیدن بود می شنیدم و از این صداها رازهای زیبایی درباره آفرینش و زندگی به گوشم می رسید.

برق چون شمشیر بران پاره می کرد ابرها را تندر دیوانه غران چنگ میزد ابرها را

معنی: رعد و برق مثل یک شمشیر تیز ابرها را پاره می کرد. رعد و برق مثل یک دیوانه‌ی در حال فریاد انگار به ابرها مشت می زد.

جنگل از باد گریزان چرخ‌ها می زد چو دریا دانه‌های گرد باران پهن می گشتند هر جا

معنی: جنگل در اثر این باد شدید مثل امواج دریا به این طرف و آن طرف می رفت. دانه‌های باران هم به زمین می خوردند و می ترکیدند.

سبزه در زیر درختان رفته رفته گشت دریا توی این دریای جوشان جنگل وارونه پیدا

معنی: سبزه‌های زیر درختان در اثر جمع شدن آب دریا به زیر آب رفتند. و توی این آب جمع شده که مثل دریا شده بود عکس جنگل برعکس افتاده بود.

می شنیدم اندر این گوهرفشانی رازهای جاودانی پندهای آسمانی

معنی: در این باریدن قطره‌های مثل گوهر و مروارید من اسرار مهم و ماندنی و حرف‌های زیبای آسمانی و خدایی می شنیدم

پیش چشم مرد فردا زندگانی خواه تیره خواه روشن هست زیبا

معنی: در نظر کسی که به آینده امیدوار است زندگی چه راحت و زیبا و چه سخت بسیار

### معنی و مفهوم درس «آرش کمان گیر»

مرز را پرواز تیری می دهد سامان

معنی: پرواز یک تیر، مرز را مشخص می کند.

گر به نزدیکی فرود آید / خانه‌ها مان، تنگ / آرزومان کور

معنی: اگر آن تیر در نزدیکی فرود آید، خانه‌هایمان تنگ می شود و آرزوهایمان از بین می روند.

ور بپرد دور / تا کجا؟ تا چند؟

معنی: و اگر تا دور دست پرواز کند، تا کجا و چه مقدار می رود؟

آه! کو بازوی پولادین و کو سرپنجه‌ی ایمان؟

معنی: آه! کجاست آن بازوی قدرتمند و کجاست آن ایمان قوی؟

## جان خود در تیر کرد آرش

معنی: آرش تمام جان و توان خود را به تیر انتقال داد.

کار صدها، صدهزاران تیغی شمشیر کرد آرش

معنی: کاری که آرش کرد، برابر بود با کار صدها بلکه صدهزاران شمشیر.

## دانش زبانی

جمله از یک یا چند کلمه تشکیل می‌شود و پیام کاملی را به شنونده منتقل می‌کند.

**مثال** من مادرم را دوست دارم.

جزء اصلی جمله، فعل است که جمله را کامل می‌کند.

**نکته** گاهی یک حرف مانند «و»، دو جمله را بهم وصل می‌کند. به این حروف که جمله‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهند، حرف ربط می‌گویند.

## کلمات هم‌خانواده

ماهر: مهارت

منتظر: انتظار

تحقیر: حقارت، حقیر

نقص: ناقص

مشکل: اشکال

توانا: توانایی، توان

## کلمات مخالف

ناامید: امیدوار

نهانی: آشکار

پیروزی: شکست

دیوانه: عاقل

سختی: آسانی

نازک: ضخیم

خاور: باختر

شیرین: تلخ

آشتی: قهر

توانا: ناتوان

محکم: سست

تیره: روشن

## کار در کلاس

الف) جمله های زیر را با کلمه های مناسب پر کنید.

- ۱ - معنی واژه ی «خاور» ..... است.
- ۲ - متضاد واژه ی «پیروزی» ..... است.
- ۳ - هم خانواده ی واژه ی «تحقیر» ..... است.
- ۴ - مشت می زد ابرها را ..... / چرخ ها می زد چو دریا .....
- ۵ - می شنیدم اندر این ..... / رازهای جاودانی .....

ب) جمله های درست را با (✓) و جمله های نادرست را با (×) مشخص کنید.

- ۱ - شعر «باران» اثر گلچین گیلانی است. ( )
- ۲ - ایرانیان در برابر سپاه توران مقاومت می کردند. ( )
- ۳ - فرماندهی سپاه تورانیان، ایرج بود. ( )
- ۴ - فرماندهی سپاه ایران، آرش بود. ( )
- ۵ - تیر پرتابی تعیین کننده ی مرز ایران و توران بود. ( )

پ) گزینه ی درست را با علامت (✓) مشخص کنید.

۱ - معنی کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) تناور: تنومند      (۲) بسامان: بی نظم      (۳) بردباری: شکیبایی      (۴) باختر: مغرب

۲ - واژه ی «اندوه» با کدام یک از واژه های زیر ترکیب می شود؟

- (۱) گیر      (۲) گین      (۳) بال      (۴) مند

۳ - جمله ی «آقای دکتر، مدتی است که حافظه ام ضعیف شده است و همه چیز را فراموش می کنم.» چند حرف ربط دارد؟

- (۱) دو تا      (۲) سه تا      (۳) چهار تا      (۴) حرف ربط ندارد.

۴ - کدام یک از واژه های زیر مفرد است؟

- (۱) جوان      (۲) خطرات      (۳) بازوان      (۴) عیوب

۵ - کدام گزینه اشتباه املائی دارد؟

- (۱) تهقیر      (۲) اندوهگین      (۳) سپاه      (۴) تیزبال

ت) به پرسش های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱ - املائی صحیح هر کلمه را با توجه به معنای آن مشخص کنید.

- تیزپرواز ← تیزبال      تیض بال      قد و بالا ← قامت      غامت      عیب ← نقص      نقس      نقس

۲ - واژه‌های نادرست املائی را مشخص کرده و صحیح آنها را بنویسید.  
«منتضر، اندوهگین، تهقیر، سپاح توران، تیزبال، تیقه‌ی شمشیر، قلّه»

۳ - توران از چه رودی گذشته بود؟

۴ - پیشنهاد توران برای تعیین مرز ایران چه بود؟

۵ - چه کسی تیر تعیین‌کننده‌ی مرز ایران را پرتاب کرد؟

(ث) به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید.

۱ - معنی عبارت‌های زیر را بنویسید.

\* ور بپرد دور، تا کجا؟ تا چند؟

\* جان خود در تیر کرد آرش

۲ - جمله را تعریف کنید.

۳ - در شعر «باران» منظور از «مرد فردا» چیست؟

۴ - در عبارت زیر چند حرف ربط به کار رفته است؟ دور آنها را خط بکشید.

«شب همه‌جا دامن گسترده بود و ماه پشت ابر پنهان شده بود؛ اما دخترک هنوز بیدار بود و به صداهای اطراف گوش می‌کرد.»

۵ - با توجه به تصویر، موضوعی را برای نوشتن انتخاب کنید و یک بند بنویسید.





الف) جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب کامل کنید.

- ۱ - معنی واژه‌ی «بازرگان»، ..... است.
- ۲ - متضاد واژه‌ی «پیروزی»، ..... است.
- ۳ - هم‌خانواده‌ی واژه‌ی «تحقیر»، ..... است.
- ۴ - جمع کلمه‌ی «عیب»، ..... است.
- ۵ - به حرفی که دو جمله را به هم وصل می‌کند، ..... است.

ب) جمله‌های درست را با (✓) و جمله‌های نادرست را با (×) مشخص کنید.

- ۱ - ایرانیان امیدوار به پیروزی بودند. ( )
- ۲ - مردم در دشتی پهناور منتظر پرتاب تیر بودند. ( )
- ۳ - آرش روی تخته‌سنگی بزرگ ایستاده بود. ( )
- ۴ - آرش تیر را از بالای قلّه‌ی دماوند پرتاب کرد. ( )
- ۵ - تیر در کنار درخت سروی بر زمین نشست. ( )

پ) گزینه‌ی درست را با علامت (✓) مشخص کنید.

۱ - در کدام گزینه معنای واژه‌ها به ترتیب درست آمده است؟ «نقص، قامت، مهارت»

- (۱) عیب، زبردستی، قد و بالا  
 (۲) عیب، قد و بالا، زبردستی  
 (۳) زبردستی، عیب، قد و بالا  
 (۴) زبردستی، قد و بالا، عیب

۲ - کدام‌یک از عبارتهای زیر یک جمله محسوب می‌شوند؟

- (۱) بشنو از من کودک من  
 (۲) زندگانی خواه تیره، خواه روشن  
 (۳) این خبر را هر دهانی، زیرگوشی  
 (۴) باز باران با ترانه، با گهرهای فراوان

۳ - املاي کدام واژه نادرست است؟

- (۱) نبرد طولانی  
 (۲) سپاه طورانیان  
 (۳) رود جیحون  
 (۴) شکست اندوهگین

۴ - کدام گزینه هم‌خانواده‌ی سایر گزینه‌ها نیست؟

- (۱) درس  
 (۲) مدرّس  
 (۳) سردی  
 (۴) مدرسه

۵ - شاعر درس «باران» کیست؟

- (۱) گلچین گیلانی  
 (۲) طیبه دلقدی  
 (۳) بهجت تبریزی  
 (۴) قیصر امین‌پور



ت) به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱ - معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

تحقیر: نقش: نیمروز:

۲ - متضاد واژه‌های زیر را بنویسید.

طولانی  $\neq$  مشکل  $\neq$  تنگ  $\neq$

۳ - هم‌خانواده‌ی واژه‌های زیر را بنویسید.

ماهر  $\leftarrow$  متفکر  $\leftarrow$  نقص  $\leftarrow$

۴ - در میان ترکیب‌های زیر، واژه‌های نادرست را بیابید و شکل درست آنها را بنویسید.

«نبرد طولانی، سپاه طورانیان، رود جیحون، شکست اندوهگین، فرماندهی افراسیاب، بازوی یولادین»

۵ - کلمه‌های زیر را کنار هم قرار دهید و ترکیب‌های جدید بسازید.

«اندوه - آفرید - کمان - تیر - نیرو - انداز - گیر - گار - مند - گین»

ث) به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید.

۱ - چرا ایرانیان پیشنهاد تورانیان را پذیرفتند؟

۲ - چرا آرش پس از پرتاب تیر، جان داد؟

۳ - مفهوم هر مصراع را توضیح دهید.

\* مرز را پرواز تیری می‌دهد سامان

\* کار صدها، صدهزاران تیغی شمشیر کرد آرش

۴ - آرش جان خدا را برای چه چیزی داد؟

۵ - با استفاده از کلمه‌های «سرباز، مرز، ایران، دشمن، کشور» یک متن بنویسید و هر جا از حرف ربط «و»

استفاده کردید، دور آن خط بکشید.

## آزمون میان‌نوبت دوم



الف) جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب کامل کنید.

۱ - شهریار، منظومه‌ی «حیدرآبا» را به ..... سروده است.

۲ - جزء اصلی جمله ..... است.

۳ - برو ای ..... در خانه‌ی علی زن / که ..... دهد از کرم گدا را

۴ - به رفتاری که اصلاح نمی‌شود، ..... می‌گوییم.

۵ - قصه‌های مثنوی مولوی اثر ..... است.

ب) جمله‌های درست را با (✓) و جمله‌های نادرست را با (x) مشخص کنید.

۱ - به کلمه‌ای که اسم قبل خود را تعریف می‌کند، مفعول می‌گویند. ( )

۲ - صفت ساده، چیزی را با چیز دیگر مقایسه نمی‌کند. ( )

۳ - «بهارستان» اثر جامی است. ( )

۴ - «تا» در «سرتاسر» میانوند است. ( )

۵ - مهر مادر موسی از مهر خداوند بیشتر است. ( )

پ) گزینه‌ی درست را با علامت (✓) مشخص کنید.

۱ - من ..... حرم می‌چرخیدم.

(۱) گردآگرد (۲) لبالب (۳) دوشادوش (۴) دمام

۲ - در کدام گزینه اشتباه املایی وجود دارد؟

(۱) قفقاز (۲) ابداع (۳) تاق (۴) رحمت

۳ - معنی کدام واژه درست نیست؟

(۱) عطّار: فروشنده (۲) طبله: صندوقچه (۳) حومه: اطراف (۴) درنگ: صبر

۴ - کدام جمله مفعول ندارد؟

(۱) ما به دریا حکم توفان می‌دهیم. (۲) ادب از بی‌ادبان آموختم.

(۳) علم چندان که بیشتر خوانی (۴) مشک آن است که خود ببوید.

۵ - کدام کلمه معنای «جنگی» می‌دهد؟

(۱) غازی (۲) قازی (۳) قاضی (۴) غاضی

ت) به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱ - از نظر سعدی، ویژگی انسان دانا چیست؟

۲ - دلیل عصبانیت شیر از موش چه بود؟



۳- ایرج میرزا در کدام شهر به دنیا آمده است؟

۴- فعل در جمله‌ی زیر کدام است؟

«علی به کتابخانه می‌رود و در آنجا درس می‌خواند.»

۵- با استفاده از ترکیب «اسم + ناپذیر» دو کلمه‌ی غیرساده بنویسید.

**ث) به پرسش‌های زیر پاسخ کامل دهید.**

۱- متضاد را تعریف کنید.

۲- کلمات «زیبا» و «سفید» را به صورت صفت به کار ببرید.

۳- معنی بیت زیر را بنویسید.

«سطح آب از گاهوارش خوش تر است / دایه‌اش سیلاب و موجش مادر است»

۴- پنج واژه‌ی غیرساده بنویسید و اجزای آن را مشخص کنید.

۵- بیت زیر چند جمله دارد؟ مشخص کنید.

«اجل را دید و شست و از زندگی دست / درختی در نظر بگرفت و بنشست»

۶- لقمان چگونه از بی‌ادبان ادب می‌آموخت؟

۷- با واژه‌های زیر جمله بسازید.

لبالب:

سرتاسر:

۸- برای شکل مقابل یک جمله‌ی کامل بنویسید و نمودار آن را رسم کنید.



۹- داستان «امید» را به صورت خلاصه بنویسید.

۱۰- یک بند درباره‌ی بازی مورد علاقه‌ی خود بنویسید.



### معنی لغات جدید درس اول و ستایش

بود: باشد، هست	جوی: پیدا کن	دمی: لحظه‌ای
نشان: نشانه، علامت	نهان: پنهان، مخفی	صبحگاه: هنگام صبح
جهان‌افروز: روشن‌کننده‌ی جهان	داوری: قضاوت کردن	غوک: غورباغه
برکه: آبگیر، گودالی که در آن آب جمع شده باشد.	برکه: آبگیر، گودالی که در آن آب جمع شده باشد.	نیلی: آبی تیره، کبود رنگ
گلگون: سرخ رنگ	زینت داد: تزیین کرد	انبوه: زیاد، فراوان
جلا دادن: شفاف و پاکیزه، صاف و براق	صنوبر: نام درخت	تاب نیاوردند: تحمل نکردند
چیره‌دست: ماهر، استاد، زبردست	دل انگیز: زیبا، جالب	قشر: لایه
شگفت‌انگیز: عجیب و غریب، تعجب‌آور	پذیرفت: قبول کرد	معرفت: شناخت
بگشود: باز کرد	ارغوانی: قرمز مایل به بنفش	آویخت: آویزان کرد
نشانید: گذاشت، قرارداد	پهنه‌ی دشت: سطح دشت	رمه: گله
		سراغ: پی چیزی رفتن، دنبال

### واژگان هم‌خانواده

(روشن - روشنایی)	(جوی - جوینده)	(صبح - صبحگاه - صبحانه)
(طبیعت - طبع - طبیعی)	(هنرمند - هنرنا - هنر)	(بقیه - باقی)
(معرفت - عرفان - تعریف - معروف)	(اثر - تأثیر - موثر)	(سطح - مسطح - سطوح)
(مزارع - مزرعه - زراعت - زرع)		(تصویر - مصوّر - تصاویر - صورت)
(انتظار - منتظر)	(قشر - اقشار)	(مهاجر - مهاجرت - هجرت)
(نخست - نخستین)	(زینت - تزیین)	(هوش - هوشیار - باهوش - هوشمند)
(منظره - نظر - ناظر - نظارت)		(پهن - پهنه - پهناور)

### واژگان متضاد

دیدم = ندیدم	سوال = جواب	متصل = جدا	هست = نیست
روشنایی = تاریکی	نیکی = بدی	نهان = آشکار	آهسته = سریع

### معنی لغات جدید درس دوم

عهد: مسئولیت	دلنشین: جذاب، زیبا و قشنگ
لطیف: ملایم، نرم	پی در پی: پشت سرهم، پیوسته
شگفتی: تعجب، حیرت	نهاده است: قرار داده است
معتدل: آب و هوایی که نه سرد باشد نه گرم	پیمودن: طی کردن، پشت سر گذاشتن
لطف: محبت، مهربانی	جنب و جوش: تلاش و فعالیت بسیار
پیشین: قبلی، گذشته	کوچ: مهاجرت، از جایی به جایی رفتن
جامه: لباس	جست: جهید، پرید

### واژگان هم خانواده

(جمع - جامع - مجموع - جامعه - جمعه - جماعت)	(طولانی - طویل - طول)
(معلوم - علوم - علم - عالم - معلم - تعلیم)	(مشغول - شغل - شاغل)
(اعتدال - معتدل - متعادل)	(سفر - مسافر - مسافرت)

### واژگان متضاد

اوایل = اواخر	معلوم = مجهول	طولانی = کوتاه	کمیاب = زیاد
---------------	---------------	----------------	--------------

### معنی لغات جدید درس سوم

آسیاب: دستگاهی برای خرد کردن و آرد کردن گندم و جو و دانه‌های دیگر	حیات: زندگی
می‌لنگید: لنگان‌لنگان راه می‌رفت، در راه رفتن ناتوان بود	اساس: پایه، بنیان
حدس زدم: گمان کردم، پنداشتم، فکر کردم	خوار: حقیر
خار: تیغ	معدرت خواهی: عذرخواهی
قالب: قطعه، تکه، پاره	قضا: سرنوشت
حیلت‌ساز: حيله‌گر، مکار	زاغ: پرنده‌ای از خانواده‌ی کلاغ در اندازه و رنگ‌های مختلف
روبهک: روباه کوچک	خوش‌آواز: خوش‌صدا، خوش‌نوا
بربود: زبود، برد، دزدید	طعمه: خوردنی، خوراک
	آواز: صدا، بانگ، نغمه، سرود

### واژگان هم خانواده

(حاکم - حکم - محکوم)	(گود - گودی - گودال)	(معدرت - عذر - عذرخواهی)
----------------------	----------------------	--------------------------

### معنی لغات جدید درس چهارم


حکیم: دانشمند، فیلسوف، طبیب (پزشک)	برافراشته: بالا برده، بالا گرفته شده
قصد: اراده کردن، نیت	چاره: راه‌حل، تدبیر، میل
افزوده می‌شد: اضافه می‌شد	نیک‌نامی: خوش‌نامی، معروف به خوبی



## نقش کلمات در جملات

**نهاد:** یک کلمه یا گروهی از کلمات در جمله می باشد که درباره ی آن خبر می دهیم یا صفت و حالتی را به آن منسوب می دهیم. نهاد ممکن است فاعل یا مسندالیه باشد.

**گزاره:** قسمتی از جمله است که درباره نهاد خبر می دهد.

**مثال**  علی از مدرسه آمد.

**فاعل:** کننده ی کار است.

**مسندالیه:** نهادی است که به آن صفت و حالتی را منسوب می کنیم اما کار انجام نمی دهد.

**مفعول:** کسی یا چیزی است که کار بر روی آن انجام شده است.

**مُسند:** کلمه ای است که قبل از فعل ربطی یا اسنادی قرار می گیرد.

**متمم:** کلمه ای است که بعد از حروف اضافه می آید.

**فعل:** کلمه ای است که حالت و چگونگی انجام شدن کاری یا روی دادن حالتی را نشان می دهد.

## حروفات

حرف ها در زبان فارسی سه دسته اند: «حرف ربط»، «حرف اضافه» و «حرف نشانه».

**حرف اضافه:** کلمه ای است که معمولاً کلمه یا گروهی از آنها را به «فعل» یا «صفت برتر»، یا «اسم جمع» و یا نظایر این ها نسبت می دهد و آنها را متمم یا وابسته ی فعل، صفت برتر یا اسم جمع و مانند این ها قرار می دهد. حرف اضافه نیز دو دسته اند:

**الف) حروف اضافه ی ساده:** شامل از، آلا، الی، اندر، با، بدون، بر، برای، به، بی، تا، جز، چون، در، ضد، علیه، غیر، مانند، مثل، مگر و ...

**ب) حروف اضافه ی مرکب:** به غیر از: به مجرد: به محض: به وسیله ی، به واسطه ی، در برابر، در قبال، شامل، غیر از، در میان، از جمله و ...

**حرف ربط یا پیوند:** حرف ربط کلمه ای است که دو سازه را به هم پیوند (ربط) می دهد. حروف ربط دو دسته اند:

**الف) حروف ربط ساده:** شامل اگر، اما، باری، پس، تا، چه، خواه، زیرا، که، لیکن، نیز، و، ولی، هم، یا.

**ب) حروف ربط مرکب:** شامل آن جاکه، آن گاه که، از آن جاکه، از آن که، از این روی، از بس، از بس که، بس که، از بهر آن که، اکنون که، چنان چه، اگر چه، الاین که، باین حال، با وجود این، به شرط آن که، چنان که و ...

**توجه!** وقتی حرف (و) بین دو یا چند کلمه و جمله قرار بگیرد و بین آنها رابطه برقرار کند حرف ربط و همپایگی است ولی اگر بین دو یا چند کلمه قرار بگیرد که دارای نقش های یکسان در جمله اند برای مثال همه ی آنها فاعل و ... باشند حرف عطف است.

**حرف نشانه:** حرفی است که برای تعیین مقام و نقش کلمه در جمله می آید و نقش آن را مشخص می کند. برای مثال «را» در جمله ی نشانه ی مفعولی: را